

## بررسی و مقایسه عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

سیده صغری موسوی<sup>۱</sup>، فاطمه کبیری<sup>۲</sup>، سولماز فرج زاده<sup>۳</sup>

پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲

دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۴

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی و مقایسه عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی بود. این پژوهش از نظر روش از نوع علی - مقایسه‌ای بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی و علوم انسانی در شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ می‌باشند که تعداد آنها بالغ بر ۶۱۵ نفر بود. برای تعیین حجم نمونه، بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۳۶ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند که پس از توزیع پرسشنامه تعداد ۱۲۰ پرسشنامه عودت گردید که تعداد ۲۰ عدد از آنها مخدوش بود و در نهایت ۲۰۰ پرسشنامه معتبر در دو گروه (۱۰۰ نفر دارای دیپلم تجربی و ریاضی و ۱۰۰ نفر دارای دیپلم علوم انسانی) جمع‌آوری گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه عملکرد حرفه‌ای پاترسون (۱۹۹۰) بود. داده‌های گردآوری‌شده در دو سطح مورد تجزیه و تحلیل (آمار توصیفی و آمار استنباطی) قرار گرفت. در سطح آمار از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون تی تست (t-test) گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد که بین عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بین تمامی ابعاد عملکرد حرفه‌ای (رعایت نظم و انضباط، احساس مسئولیت در کار، همکاری در کار و بهبود کار) فارغ‌التحصیل دارای دیپلم انسانی و فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین تمامی ابعاد عملکرد حرفه‌ای فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی نسبت به فارغ‌التحصیل دارای دیپلم انسانی پایین‌تر است.

**کلید واژه‌ها:** عملکرد حرفه‌ای، معلمان فارغ‌التحصیل، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت کسب و کار، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران، نویسنده مسئول، s.musavi.۲۰۲۲@gmail.com

<sup>۲</sup>. استادیار گروه مدیریت بازرگانی، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

<sup>۳</sup>. استادیار گروه مدیریت بازرگانی، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

## مقدمه

در هزاره سوم حرکت به سوی آموزش و پرورش پویانده تر و جوینده تر، زمانی جلوه می کند که تصویر مهارتی معلمان شفاف تر و روشنتر باشد. در واقع سعادت واقعی جوامع نیازمند توجه بیشتر به تربیت معلمانی با شایستگی حرفه‌ای و اعتماد به نفس بالا است به گونه‌ای که افراد آماده شده برای این حرفه به عنوان معلم توانایی تحقق اهداف مورد نظر آموزش و پرورش و پاسخ دادن به نیازها و ضرورت‌های امروزی جامعه را داشته باشند (رئوف، ۱۳۸۹).

الیو<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) بر این باور است که اگر نظام آموزش و پرورش جوامع را حذف کنیم، باید شاهد یک جامعه ایستا و خالی از رشد و بالندگی بود. به طوری که با شیوع هر چه و مرج، همه چیز نابود خواهد شد. بر این اساس، اهمیت نظام آموزش و پرورش برای تمامی اندیشمندان و مردم عادی بدیهی است. زیربنای توسعه هر کشوری از طریق آموزش و پرورش آن کشور نهاده می شود که ستون‌های اصلی آن را باید در آموزش ابتدایی جست و جو کرد. این اهمیت به اندازه‌ای است که بی توجهی به آن، آثار زیانباری را در ابعاد مختلف بر پیکره پیشرفت و تعالی هر سرزمینی بر جای می گذارد. از سوی دیگر، کودکی نخستین و مهم ترین دوره زندگی آدمی است. از آن جا که در این دوره ساختار شخصیتی و رفتاری انسان بنیان گذاشته می شود، دوران کودکی را دورانی سرنوشت ساز و مثبت دانسته اند. تجربه‌های اولیه زندگی در خانواده سپری می شود و پس از آن پیش دبستانی و دبستان به عنوان یک فضای بیرونی موثر در تربیت کودکان نمود می یابد و باید تجارب زندگی در خانواده را یا اصلاح کند یا آنکه تقویت کند. در هر صورت این تجارب اولیه در مدرسه که تجارب اولیه یادگیری و تربیت شدن نیز خواهند بود، مبنای اساسی تربیت را بنا می گذارند و چنانچه درست عمل نشود، بقیه مراحل زندگی نیز به آن سوی جهت می یابند و به طور کلی آینده هر کشوری را به این صورت رقم خواهد زد (تریانی، ساهرمن و نوریسان، ۲۰۲۰).

متیولیمین (۲۰۰۰) در تجربیات آموزشی خود متوجه شد که فراگیران دوره‌های تحصیلی بالاتر که فاقد قدرت استدلال، قدرت تمییز و داوری هستند، در دوره ابتدایی این مهارت‌ها را نیاموخته‌اند. بستر اصلی این تجربه‌های مقدماتی در دوره ابتدایی، توسط معلمان که گاهی جایگزین پدران و مادران در تعلیم و تربیت می شوند، نهاده می شوند و لذا نقش معلمان این دوره بسیار حایز اهمیت است. تردیدی نیست که امروزه پاسخ گویی به چالش های علمی، صنعتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و نیز دست یابی به توسعه پایدار و دانایی، محور مستلزم تحول بنیادی در آموزش و پرورش است. اگر این را بپذیریم که از مجموع نهادها و ساختارهای اجتماعی، نهاد تعلیم و تربیت اولویت و اهمیت بیشتری دارد، این پرسش مطرح می شود که در میان عناصر تشکیل دهنده این خرده نظام کدامیک اهمیت و تأثیر گذاری بیشتری دارد (گیلیسن، کنیپلس و ونونجولینگن، ۲۰۲۰).

بی هیچ تردیدی می توان گفت که معلمان هر جامعه ای، اصلی ترین عنصر تأثیر گذار بر پیشرفت و بقا یک جامعه اند. به گونه ای که عملکرد بهینه آنان می تواند تضمین کننده ی موفقیت یک جامعه باشد. بنابراین به نظر می رسد پرداختن به این گروه و سازمان مربوط به آن، به معنای توجه به اصلی ترین نیروی در گیر در بقا یک جامعه است. بقا و تداوم سازمان ها و موسسات به چگونگی کارایی و اثربخشی عملکرد کارکنان بستگی دارد (تریپت، بنز زیو و امیت، ۲۰۱۸).

منابع تخصصی آموزش و پرورش نظرات بسیاری در مورد تأکید بر محور بودن معلم دارد. آرمان هایی مانند: حرفه گری معلم؛ توانمندسازی و پژوهشگری معلم محوری ترین موضوعات نظام های آموزش و پرورش به روز هستند. در واقع در آموزش و پرورش به هیچ نوآوری نمی توان دل بست، مگر آنکه پیشاپیش تغییرات کیفی مناسب در معلمان به وقوع پیوسته باشد. اما در این حوزه آسیب ها و موانع بازدارنده در ارتباط با انتخاب و جذب معلم، منزلت و مسؤلیت های معلم وجود دارد. نداشتن سیاست های اصولی برای حفظ، نگهداری و ارتقای کیفی و شغلی معلمان در آموزش و پرورش، گزینش و جذب نیروهای با بنیه علمی و تخصصی ضعیف، ضعف معلمان در مهارت های حرفه ای و روش های نوین تدریس، پایین بودن سطح علمی و حرفه ای در مدیریت و رهبری کلاس درس، برخوردار نبودن از آموزش مداوم و نبود زمینه مناسب برای یادگیری مداوم و تبادل اطلاعات و تجربیات با همکاران، مقاومت در مقابل روش های نوین آموزشی ناشی از برخوردار نبودن از آموزش های لازم

۱ - Elivo

۲ - Triani, Suherman & Nurihsan.

۳ - Gilissen, Knippels & van Joolingen

۴ - Tripto, Ben-Zvi & Amit

صلاحیت معلم به توانایی معلم در برآوردن نیازها و مطالبات حرفه تدریس، به طوری که این مجموعه مباحث در عملکرد معلم بازتاب و تجلی می‌یابد (کیانی، ۱۳۹۵).

یکی از نهادهایی که وظیفه تربیت دبیران آینده آموزش پرورش را برعهده دارد، دانشگاه فرهنگیان است که در سال‌های اخیر با مسائل و چالش‌هایی مانند انتظارات مردم از معلم با عملکرد حرفه‌ای و کیفیت بالا، مسئله زیرساختی، نیاز به اعضای هیأت علمی، بودجه و... روبرو بوده که نیاز به تغییر و بهبود کیفیت آن به ویژه در حوزه تدریس و آموزش به خوبی احساس می‌شود. با وجود این، دانشگاه فرهنگیان و نظام آموزشی زمانی با کیفیت شناخته می‌شود که بدون هر گونه کاستی باشد. چرا که این کاستی‌ها به منزله نواقص و عیوب آن است و نتیجه مطلوب به عنوان برون‌داد یا پیامد از آن نظام حاصل نخواهد شد (طبرسا و همکاران، ۱۳۹۱).

موفقیت هر نظام آموزشی در درجه اول به میزان موفقیت معلمان آن نظام بستگی دارد و موفقیت معلمان نیز به میزان برخورداری از مهارت‌های حرفه‌ای وابسته است. لذا حرفه‌ای شدن معلمان در سطح جهانی به این دلیل که عامل بالقوه برای بهبود آموزش مدرسه و تقویت توانایی‌های مدارس برای یادگیری سازمانی محسوب می‌شود، حائز اهمیت هستند (بین و ژانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

معلمان مؤثرترین عامل در مدرسه به حساب می‌آیند. اگر آموزش و پرورش قصد دارد در آینده متحول شود باید کانون توجه خود را بر استعدادها منحصراً به فرد یکایک معلمان در راه درست تبدیل این استعدادها به عملکرد پاینده معطوف سازد. عملکرد، پیامدی از تاثیر متقابل توانایی و انگیزش است. توانایی و انگیزش می‌تواند به عملکرد منتهی شود، اما موانع سازمانی می‌توانند آن را مهار کنند. عملکرد حرفه‌ای خوب به توانایی و انگیزه نیاز دارد. بازدارنده‌های سازمانی مانند آموزش ضعیف می‌تواند در عملکرد حرفه‌ای خوب مداخله کنند. عملکرد حرفه‌ای، دو مولفه را در بر می‌گیرد. مولفه اول وظیفه است که نیازمند التزامات شغلی است. مولفه دوم عملکرد زمینه‌ای است که کار تیمی و حمایتی را در بر می‌گیرد (حیدری، ۱۳۹۷).

مساله دیگر این است که حرفه‌ای شدن معلمان محصولی از فعالیت‌های درون و بیرونی است که توسعه شایستگی دانش آموزان را به همراه دارد. در تأیید این مطلب لی، هالینگر و واکر<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) ادعا می‌کنند حرفه‌ای شدن معلمان به عنوان یکی از ابزارهای تسهیل یادگیری مداوم در میان معلمان به شمار می‌رود و باعث بهبود مدرسه و توسعه شایستگی دانش آموزان می‌گردد. حرفه‌ای شدن معلمان می‌تواند به یادگیری حرفه‌ای معلم منجر شوند و حرفه‌ای شدن معلمان با مزایای گسترده‌تر از جمله عملکرد مثبت معلم، فرهنگ مدرسه سالم و بهبود مدرسه همراه هستند. این محبوبیت نیز با تحولات وسیع‌تر در زمینه پیشرفت حرفه‌ای معلمان، از جمله اهمیت یادگیری مادام‌العمر، یادگیری شغلی و در نهایت توجه توسعه شایستگی دانش آموزان می‌گردد (هایرون و دیموک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲).

نتایج پژوهش نادری و همکاران (۱۳۸۸) تحت عنوان بررسی و مقایسه عملکرد حرفه‌ای معلمان دروس علوم پایه و علوم انسانی در دوره راهنمایی نشان داد که میزان آگاهی معلمان از مهارت‌های حرفه‌ای در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است. این نتیجه درباره ۴ مولفه مهارت‌های حرفه‌ای معلمان نیز به دست آمده است که نتایج جدول آزمون توکی، شفه نشان می‌دهد که مؤلفه روش تدریس، بیشترین میزان آگاهی و سپس طراحی آموزشی و ارزشیابی و در آخر تکنولوژی آموزشی کمترین میزان را دارا بوده است.

واحدی کوچنق (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان، تربیت معلم سابق و سایر دانشگاه‌ها نشان داد که صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان سه گروه باهم تفاوت دارند. از نظر صلاحیت شناختی، فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان وضعیت بالاتری در مقایسه با دو گروه دیگر دارند. فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت معلم نیز تفاوت معنی‌داری با فارغ‌التحصیلان سایر دانشگاه‌ها دارند.

1 - Yin, H., & Zheng

۲ - Li, Hallinger and Walker

۳ - Hairon & Dimmock

نتایج پژوهش محمدپور و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که تفاوت بین عملکرد معلمان دانش آموخته از دانشگاه فرهنگیان و سایر معلمان در دو آزمون موضوعی علوم و ریاضی از لحاظ آماری، معنی دار بود و در هر دو مورد، تفاوت به نفع دانش آموختگان از دانشگاه فرهنگیان بود. بنابراین اگر آموزش و پرورش می‌خواهد متحول شود، دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت، به خصوص معلمانی که تعامل گسترده‌ای با فراگیران دارند، باید متحول شوند. همچنین دانش و اطلاعات، شناخت‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و روش‌های کار آنها باید تغییر کند. لازمه این کار، حرفه‌ای شدن امر تعلیم و تربیت و در سرلوحه آن، حرفه‌ای شدن تمام معلمان است.

بطور کلی اهمیت نظری پژوهش حاضر از این جهت خواهد بود که چون در حوزه تعلیم و تربیت است؛ لذا می‌تواند دانشی به دانش‌های موجود در حوزه تحقیقات آموزش و پرورش بیفزاید. همچنین انجام این پژوهش می‌تواند به نظریه پردازی در این رشته کمک نماید. بنابراین به طور کلی اهمیت تحقیق حاضر کمک به افزایش یافته‌ها در حوزه تعلیم و تربیت است. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به محققان، مسئولین امر آموزش و پرورش و بویژه مسئولین دانشگاه فرهنگیان، همچنین افرادی که به دنبال ارتقای کیفیت آموزشی هستند، کمک نماید.

با عنایت به مباحث مطروحه مسئله اصلی پژوهش به این نحو قابل استنباط است آیا بین عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد؟

## روش

پژوهش حاضر از حیث هدف، جزو پژوهش‌های کاربردی است. همچنین پژوهش حاضر از حیث ماهیت و روش، جزء تحقیقات غیرآزمایشی و علی-مقایسه‌ای است. به علاوه به دلیل این که در فاصله زمانی معین، انجام شده است، جزو پژوهش‌های مقطعی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی و علوم انسانی در شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ می‌باشند. در مرحله اول طی آمار کسب شده تعداد کل معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی و علوم انسانی در شیراز حدود ۶۱۵ نفر اعلام گردید. با توجه به این که در صدر هر مطالعه یا تحقیقی تعیین حجم نمونه لازم و ضروری به نظر می‌رسد، بدین منظور برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه ۲۳۶ نفر تعیین گردید. برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده گردید. از آن جا که این احتمال داده می‌شد که تمام پرسشنامه‌های ارسالی عودت نگردد، پرسشنامه‌ها به تعداد بیشتر از میزان حجم نمونه بین معلمان توزیع گردید که از تعداد پرسشنامه ارسالی که تعداد آنها بالای ۲۳۶ پرسشنامه بود، ۲۲۰ پرسشنامه عودت گردید که تعداد ۲۰ عدد از آنها مخدوش بود و در نهایت ۲۰۰ پرسشنامه معتبر در دو گروه (۱۰۰ نفر دارای دیپلم تجربی و ریاضی و ۱۰۰ نفر دارای دیپلم علوم انسانی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در پژوهش حاضر جهت جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شد. برای سنجش عملکرد حرفه‌ای از پرسشنامه عملکرد پاترسون (۱۹۹۰) که توسط شکرکن و ارشدی (۱۳۸۶) ترجمه شده است، استفاده گردید. این پرسشنامه دربرگیرنده ۱۵ گویه می‌باشد و ۴ بعد رعایت نظم و انضباط در کار، احساس مسئولیت در کار، همکاری در کار و بهبود کار را در بر می‌گیرد. هر سؤال از یک مقیاس چهار درجه‌ای: همیشه (۴)، اغلب (۳)، گهگاهی (۲)، بندرت (۱) تشکیل شده است. حداکثر نمره در این پرسشنامه ۶۰ و حداقل نمره ۱۵ می‌باشد.

برای بررسی روایی، از روایی صوری استفاده شد. برای این منظور، روایی صوری پرسشنامه پژوهش حاضر، توسط استاد محترم راهنما مورد تأیید قرار گرفت. منظری و شکرکن (۱۳۷۵) ضریب پایایی این پرسش‌نامه را در نمونه دبیران مدارس پسرانه شهرستان اهواز با استفاده از فرمول اسپیرمن - براون و روش تنصیف زوج - فرد معادل ۸۴٪ گزارش داده‌اند. امینی و نوری (۱۳۷۵) در نمونه ۸۸ نفری کارکنان تصفیه‌خانه اصفهان ضریب پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۷۰٪ و با روش تنصیف ۵۸٪ گزارش داده‌اند. سیاحی و شکرکن (۱۳۷۵) ضریب پایایی این پرسشنامه را در نمونه کارکنان شرکت فولاد خوزستان با روش آلفای کرونباخ ۸۵٪ و با روش تنصیف ۸۵٪ گزارش کرده‌اند. خوشکام، نیسی و شکرکن (۱۳۸۶) با

بکارگیری آزمون مذکور در نمونه کارکنان سازمان آب و برق اهواز پایایی و روایی این پرسشنامه را از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف ۰/۸۲ و ۰/۸۰. گزارش کرده‌اند و ضریب روایی را نیز از طریق همبسته کردن آزمون با نمره ۱ سوالی کلی و ۱۵ درج ای محاسبه و ۰/۴۳. گزارش کرده اند. کردلی (۱۳۸۸) در نمونه‌ی کارکنان شرکت شیر پاستوریزه پگاه خوزستان ضریب پایایی این پرسشنامه را از روش آلفای کرونباخ به دست آورد، که برابر با ۰/۸۹ بود (برزگر و محمدی، ۱۳۹۳: ۶). همچنین نعمی (۱۳۸۱) نمره‌های پرسشنامه خودارزشیابی عملکرد را با نمره‌های حاصل از پرسشنامه شایستگی و عملکرد گزارش درجه بندی کارکنان همبسته نمود که ضرایب اعتبار به ترتیب ۰/۴۳ و ۰/۳۶ به دست آمده که در سطح  $(p < 0/001)$  معنی دار می باشند (نعمی، ۱۳۸۱ به نقل از فرهنگ مجد، ۱۳۸۸). جهت اطمینان نیز در این پژوهش میزان پایایی این پرسشنامه برای نمره کلی از طریق شیوه آلفای کرونباخ محاسبه و میزان آن ۰/۹۱ بدست آمد. پایایی پرسشنامه توسط آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۳-۵ آمده است. ضرایب حاصله برای ابعاد رعایت نظم و انضباط در کار، احساس مسئولیت در کار، همکاری در کار و بهبود کار به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۹۱، ۰/۸۹، ۰/۸۷ محاسبه شده است. داده‌های گردآوری شده در دو سطح مورد تجزیه و تحلیل (آمار توصیفی و آمار استنباطی) قرار گرفت. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی در صورت نرمال شدن داده‌ها از روش آزمون تی (t-test) گروه‌های مستقل استفاده شد. نرم افزار مورد استفاده SPSS نسخه ۲۱ بود.

## یافته ها

جدول ۱. بررسی نرمال بودن متغیر پژوهش و ابعاد آن

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف			متغیر
سطح معناداری	آماره	تعداد	
۰/۸	۰/۶۰۲	۲۰۰	عملکرد حرفه ای کلی
۰/۰۷	۱/۲۹	۲۰۰	رعایت نظم و انضباط در کار
۰/۲	۱/۰۱	۲۰۰	احساس مسئولیت در کار
۰/۲	۱/۰۲	۲۰۰	همکاری در کار
۰/۰۷	۱/۲۸	۲۰۰	بهبود کار

با توجه به جدول بالا می توان متوجه شد که سطوح معناداری از مقدار قابل قبول (۰/۰۵) بیشتر است. لذا آزمون های نرمالیتی این متغیر معنادار نیست. بنابراین فرضیه نرمال بودن تایید می شود.  $(P-Value > 0/05)$ . بنابراین برای تجزیه و تحلیل فرضیه ها از آزمون پارامتری استفاده می شود. فرضیه اصلی: بین عملکرد حرفه ای معلمان فارغ التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این فرضیه، از آزمون تی تست (t-test) گروه‌های مستقل استفاده می شود.

جدول ۲. بررسی تفاوت نمرات عملکرد حرفه ای فارغ التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و

ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	$\tau$	درجه آزادی	سطح معناداری
دیپلمه های انسانی	۱۰۰	۴۷/۳۶	۵/۷	۱۴/۰۲	۹۸	۰/۰۰۰۱
دیپلمه های تجربی و ریاضی	۱۰۰	۳۴/۶۰	۷/۰۲			

با توجه به جدول فوق و مشاهده سطح معناداری می توان متوجه شد که مقدار  $t$  برابر با  $(9/7)$  در سطح  $(0/0001)$  بدست آمده است و از آن جا که این سطح کمتر از سطح قابل قبول  $(0/05)$  است لذا این مقدار معنادار شده است  $(p < 0/01)$ ، و این بدین معنی است که بین عملکرد حرفه ای معلمان فارغ التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین بُعد رعایت نظم و انضباط در کار معلمان فارغ التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

برای تحلیل داده های جمع آوری شده در این فرضیه، از آزمون تی تست (t-test) گروه های مستقل استفاده می شود.

جدول ۳. بررسی تفاوت نمرات بُعد رعایت نظم و انضباط در کار فارغ التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم

تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

متغیر	نوع دیپلم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
رعایت نظم و انضباط در کار	انسانی	۱۰۰	۹/۷۲	۱/۷	۴/۱	۱۹۸	۰/۰۰۰۱
	تجربی و ریاضی	۱۰۰	۸/۵۴	۲/۲			

با توجه به جدول فوق و مشاهده سطح معناداری می توان متوجه شد که مقدار  $t$  برابر با  $4/1$  در سطح  $(0/0001)$  بدست آمده است و از آن جا که این سطح کمتر از سطح قابل قبول  $(0/05)$  است لذا این مقدار معنادار شده است  $(p < 0/01)$ ، و این بدین معنی است که بین بُعد رعایت نظم و انضباط در کار معلمان فارغ التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین بُعد احساس مسئولیت در کار معلمان فارغ التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

برای تحلیل داده های جمع آوری شده در این فرضیه، از آزمون تی تست (t-test) گروه های مستقل استفاده می شود.

جدول ۴. بررسی تفاوت نمرات بُعد احساس مسئولیت در کار فارغ التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم

تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

متغیر	نوع دیپلم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
احساس مسئولیت در کار	انسانی	۱۰۰	۱۲/۶۲	۲/۴	۷/۴	۱۹۸	۰/۰۰۰۱
	تجربی و ریاضی	۱۰۰	۹/۶۸	۳/۱			

با توجه به جدول فوق و مشاهده سطح معناداری می‌توان متوجه شد که مقدار  $t$  برابر با  $7/4$  در سطح  $(0/0001)$  بدست آمده است و از آن جا که این سطح کمتر از سطح قابل قبول  $(0/05)$  است لذا این مقدار معنادار شده است  $(p < 0/01)$ ، و این بدین معنی است که بین بُعد احساس مسئولیت در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین بُعد همکاری در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این فرضیه، از آزمون تی تست ( $t$ -test) گروه‌های مستقل استفاده می‌شود.

جدول 5. بررسی تفاوت نمرات بُعد همکاری در کار فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و

ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی

متغیر	نوع دیپلم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
همکاری در کار	انسانی	100	15/66	2/8	13/7	198	0/0001
	تجربی و ریاضی	100	9/78	3/1			

با توجه به جدول فوق و مشاهده سطح معناداری می‌توان متوجه شد که مقدار  $t$  برابر با  $13/7$  در سطح  $(0/0001)$  بدست آمده است و از آن جا که این سطح کمتر از سطح قابل قبول  $(0/05)$  است لذا این مقدار معنادار شده است  $(p < 0/01)$ ، و این بدین معنی است که بین بُعد همکاری در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین بُعد بهبود کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این فرضیه، از آزمون تی تست ( $t$ -test) گروه‌های مستقل استفاده می‌شود.

جدول 6. بررسی تفاوت نمرات بُعد بهبود کار فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با

دارندگان دیپلم علوم انسانی

متغیر	نوع دیپلم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
بهبود کار	انسانی	100	12/64	2/2	10/9	198	0/0001
	تجربی و ریاضی	100	8/82	2/6			

با توجه به جدول فوق و مشاهده سطح معناداری می‌توان متوجه شد که مقدار  $t$  برابر با  $10/9$  در سطح  $(0/0001)$  بدست آمده است و از آن جا که این سطح کمتر از سطح قابل قبول  $(0/05)$  است لذا این مقدار معنادار شده است  $(p < 0/01)$ ، و این بدین معنی است که بین بُعد بهبود کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد.

## بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی و مقایسه عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی بود. نتایج حاصل از تحلیل از آزمون تی تست این فرضیه، گویای آن است که بین عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که عملکرد حرفه‌ای معلمان فارغ‌التحصیل دیپلمه‌های انسانی در مقایسه با معلمان فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی بیشتر است.

در بین پژوهش‌های انجام شده، پژوهشی که با نتایج این پژوهش هم‌خوانی داشته باشد، یافت نشد. در توجیه این فرضیه می‌توان بیان داشت منابع تخصصی آموزش و پرورش نظرات بسیاری در مورد تأکید بر محور بودن معلم دارد. آرمان‌هایی مانند حرفه‌گری معلم؛ توانمندسازی و پژوهشگری معلم محوری‌ترین موضوعات نظام‌های آموزش و پرورش در حوزه علوم انسانی به روز هستند، در واقع در آموزش و پرورش به هیچ‌نوعی نوآوری نمی‌توان دل بست، مگر آنکه پیشاپیش تغییرات کیفی مناسب در معلمان به وقوع پیوسته باشد، اما در این حوزه آسیب‌ها و موانع بازدارنده در ارتباط با انتخاب و جذب معلم، منزلت و مسؤلیت‌های معلم وجود دارد، نداشتن سیاست‌های اصولی برای حفظ، نگهداری و ارتقای کیفی و شغلی معلمان در معلمان فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی، گزینش و جذب نیروهای با بنیه علمی و تخصصی ضعیف، ضعف معلمان در مهارت‌های حرفه‌ای و روش‌های نوین تدریس، پایین بودن سطح علمی و حرفه‌ای در مدیریت و رهبری کلاس درس، برخوردار نبودن از آموزش مداوم و نبود زمینه مناسب برای یادگیری مداوم و تبادل اطلاعات و تجربیات با همکاران، مقاومت در مقابل روش‌های نوین آموزشی ناشی از برخوردار نبودن از آموزش‌های لازم صلاحیت معلم به توانایی معلم در برآوردن نیازها و مطالبات حرفه تدریس، به طوری که این مجموعه مباحث در عملکرد معلم بازتاب و تجلی می‌یابد (کیانی، ۱۳۹۵).

توجیه دیگر اینکه معلمان فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی در سال‌های اخیر با مسائل و چالش‌هایی مانند انتظارات مردم از معلم با عملکرد حرفه‌ای و کیفیت بالا، مسئله زیرساختی، نیاز به اعضای هیأت علمی، بودجه و... روبرو بوده که نیاز به تغییر و بهبود کیفیت آن به ویژه در حوزه تدریس و آموزش به خوبی احساس می‌شود. با وجود این، معلمان فارغ‌التحصیل دارای دیپلم تجربی و ریاضی و نظام آموزشی زمانی با کیفیت شناخته می‌شود که بدون هر گونه کاستی باشد. چرا که این کاستی‌ها به منزله نواقص و عیوب آن است و نتیجه مطلوب به عنوان برونداد یا پیامد از آن نظام حاصل نخواهد شد (طبرسا، و همکاران، ۱۳۹۱). زمانی که معلم مهارت کافی را در حرفه خود داشته باشد نقش وی از مخابره‌کننده‌ی اطلاعات به یاریگر فراگیری، راهنما و مدرس با دانش آموز تغییر می‌یابد. این نقش جدید از اهمیت مقام معلم نمی‌کاهد بلکه نیازمند کسب دانش‌ها و مهارت‌های جدید است. دانش آموز در چنین محیطی، در فرایند یادگیری خود مسؤلیت بزرگتری را به عهده می‌گیرد؛ چرا که باید بجوید، بیابد، نتیجه بگیرد و دانسته‌های خود را با دیگران شریک شود.

از سوی دیگر، عملکرد کامگار معلمان و به واقع فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف تحصیلی متفاوت است، یا اینکه نوع و خاصیت رشته باعث اختلاف آن می‌شود. متخصصان کنکور و برنامه‌ریزان آموزش از جمله می‌گویند فارغ‌التحصیلان علاقه‌مند به رشته ریاضی فیزیک قدرت درک، فهم و تجزیه و تحلیل بالایی در دروس ریاضی، فیزیک و شیمی داشته و پایه درسی آنها در دروس نامبرده قوی‌تر است. فارغ‌التحصیلان علاقه‌مند به رشته علوم تجربی باید پایه و بنیه علمی قوی در دروس زیست‌شناسی و زمین‌شناسی داشته و به راحتی از پس مسایل ریاضی، فیزیک و شیمی برآید. در این رشته از مباحث اصلی دروس زیست‌شناسی می‌توان به زیست‌شناسی و بهداشت محیط، زیست گیاهی، زیست جانوری، زیست سلولی مولکولی و... اشاره کرد که علاقه و قدرت یادگیری آنها در این مباحث از نکات حائز اهمیت است. فارغ‌التحصیلان رشته علوم انسانی در این رشته با دروس اصلی از قبیل اقتصاد، تاریخ و جغرافیا، علوم اجتماعی، فلسفه و منطق و روانشناسی آشنا می‌شوند و باید فردی منطقی بوده و نظریاتشان مستند به دلیل و مدرک بوده و ظرفیت بالایی داشته باشند تا در بمباران مسایل روزمره گنج‌نشانده و عمق ارتباط داشته باشند تا بفهمند که مردم جامعه آنها به چه فکر می‌کنند و نیازهای آنها چیست؟ (صوفی نژاد، ۱۳۹۳). بنابراین علاقمندی‌ها، تبحرها و بالتبع عملکردهای حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان این دو گروه با هم متفاوت است.



نتایج حاصل از تحلیل آزمون تی تست گویای آن است که بین بُعد رعایت نظم و انضباط در کار معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که مولفه رعایت نظم و انضباط در معلمان فارغ‌التحصیل دیپلم‌های انسانی در مقایسه با معلمان فارغ‌التحصیل رشته دارای دیپلم تجربی و ریاضی بیشتر است.

در بین پژوهش‌های انجام شده، پژوهشی که با نتایج این پژوهش هم‌خوانی داشته باشد یافت نشد. در تبیین این فرضیه باید گفت که داشتن نظم در واقع یکی از پارامترهای مهم در بهبود بهره‌وری هر شخص است. آراستگی ظاهر، ترتیب انجام کارها، منظم بودن محیط پیرامونی محل کار و منزل، رعایت آداب معاشرت و بسیاری موارد دیگر، نشان‌دهنده وجود یا عدم وجود یک نظم کاری است. در توجیه بالا بودن نظم و انضباط در فارغ‌التحصیلان رشته انسانی می‌توان گفت که این تفاوت‌ها را در غالب ویژگی‌های شخصیتی شکل گرفته در دوران تحصیل، سبک‌های یادگیری فارغ‌التحصیلان، محیط و فضای آموزشی و کلاسی بیان کرد.

نتایج حاصل از تحلیل آزمون تی تست گویای آن است که بین بُعد احساس مسئولیت در معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که مولفه احساس مسئولیت معلمان فارغ‌التحصیل دیپلم‌های انسانی در مقایسه با معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی، بیشتر است.

در تبیین این یافته‌ها باید گفت که احساس مسئولیت، بخشی از نگرشی معلمان است که بر مبنای گونه‌های مختلف جامعه پذیری در آنها در سطوح متفاوتی قابل مشاهده است.

علت تفاوت بین معلمان فارغ‌التحصیل ریاضی و تجربی با انسانی شاید احساس و ادراک بالا از توانمندسازی معلمان انسانی باشد که بر میزان علاقه آنها به شغل خویش و انجام صحیح وظایف، دفاع آنها از سازمان محل خدمت و پایبندی آنها به ارزش‌های کار تأثیرگذار است و این تأثیرها موجب افزایش مسئولیت، تعهد به شغل و حرفه می‌شود.

نتایج حاصل از تحلیل آزمون تی تست گویای آن است که بین بُعد همکاری در معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که مولفه همکاری معلمان فارغ‌التحصیل دیپلم‌های انسانی در مقایسه با معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی، بیشتر است.

در تبیین این یافته‌ها در مورد بعد همکاری باید گفت که این عامل از عمل و عکس‌العمل باز و حرفه‌ای در بین معلمان حمایت می‌کند. معلمان با این ویژگی به مدرسه خود افتخار کرده و از کار کردن با همکاران خود لذت می‌برند، بیشتر همدردی‌کننده و پذیرنده بوده و به احترام متقابل دو جانبه به شایستگی حرفه‌ای همکاران خود قائل هستند. در توجیه بالا بودن این آیتم در معلمان فارغ‌التحصیل رشته انسانی می‌توان علت احتمالی را در بالا، مهارت‌های ارتباطی، تعاملات، و مهارت‌های بین‌فردی نسبت به معلمان فارغ‌التحصیل رشته ریاضی و تجربی دانست.

نتایج حاصل از تحلیل آزمون تی تست گویای آن است که بین بُعد بهبود کار در معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی با دارندگان دیپلم علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که مولفه بهبود کار معلمان فارغ‌التحصیل دیپلم‌های انسانی در مقایسه با معلمان فارغ‌التحصیل رشته آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان دارای دیپلم تجربی و ریاضی، بیشتر است.

در تبیین این یافته‌ها در مورد بهبود کار باید گفت که استفاده از دانش و تجربه معلمان به عنوان سرمایه اصلی آموزش و پرورش است. علاوه بر آنکه جلوه‌ای از همدلی و همسویی در این سازمان است، در توجیه بالا بودن بهبود کار در معلمان فارغ‌التحصیل رشته انسانی می‌توان ناشی از این دانست که بالطبع یک فردی که در رشته علوم انسانی تحصیل کرده است نسبت به

دانش آموزان رشته تجربی از آزمایشگری فعال کمتری برخوردار است و از تعاملات و ارتباطات اجتماعی بالایی برخوردار هستند. دانش آموزان در رشته های متفاوت از لحاظ بهره برداری از هوش و سبک های یادگیری، علائق، محتوای آموزشی بسیار متفاوت هستند و با سبک و روشی متفاوت رشد می یابند که در نتیجه تفاوت در عملکرد آنان را به دنبال خواهد داشت. با توجه به یافته های پژوهش، به مدیران مدارس توصیه می شود که با حمایت معلمان، ارائه اختیارات بیشتر به آن ها و در صورت لزوم با ارائه بازخوردها و راهنمایی های منطقی و صمیمانه به معلمان، زمینه های مشارکت بیشتر معلمان در فعالیت های مدرسه و در نتیجه موجب ارتقای عملکرد حرفه ای آن ها را فراهم آورند. پیشنهاد می شود مراکز آموزش تربیت معلم و دانشگاه فرهنگیان که متولی اصلی امر آموزش معلمان هستند، روش ها و سرفصل های آموزشی خود را در جهت پرورش همه ی عملکردهای معلمان تغییر دهند. همچنین پیشنهاد می شود سازمان های آموزشی ضمن اصلاح سیستم های جذب و گزینش، افرادی را به استخدام در آورند که به رعایت اصول علمی و داشتن صلاحیت ها پایبند بوده و در سلامت و اثربخشی سازمانی موثر باشند.



## منابع و مآخذ

- حیدری، پریش (۱۳۹۷). بررسی رابطه رفتار شهروندی سازمانی و اخلاق حرفه‌ای با عملکرد حرفه‌ای معلمان ابتدایی شهرستان کازرون، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- رئوف، علی. (۱۳۸۹). فلسفه حرفه آموزی به معلمان: نشریه مدارس کارآمد، ۹، ۴۴-۵۰.
- صوفی نژاد، محترم. (۱۳۹۳). مقایسه خلاقیت و هوش هیجانی در دانش آموزان دختر پایه دوم دبیرستان در رشته های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی شهرستان سمنان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات شاهرود دانشکده علوم انسانی، گروه روانشناسی.
- طبرسا، غلامعلی؛ حسنوند منفرد، مهدی؛ عارف نژاد، محسن. (۱۳۹۱). تحلیل و رتبه بندی عوامل موثر بر بهبود کیفیت آموزشی (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان، مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۴(۴)، ۵۱-۵۳.
- کیانی، حمید. (۱۳۹۵). بررسی مقایسه ای کیفیت آموزشی معلمان فارغ التحصیل از دانشگاه فرهنگیان و سایر معلمان آموزش و پرورش، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- نادری، عزت اله؛ حاجی زاد، محمد. (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه مهارت های حرفه ای معلمان دروس علوم پایه و علوم انسانی دوره راهنمایی شهرستان بهشهر به منظور ارائه روش های ارتقای کیفی این مهارت ها. تحقیقات مدیریت آموزشی، ۲(۶)، ۷۵-۹۶.
- Byars L, Rue L. (۲۰۰۰). Human resource management. New York: Irwin Mc- Graw-Hill.
- Gilissen, M. G., Knippels, M. C. P., & van Joolingen, W. R. (۲۰۲۰). Bringing systems thinking into the classroom. *International Journal of Science Education*, ۴۲(۸), ۱۲۵۳-۱۲۸۰.
- Hairon, S., & Dimmock, C. (۲۰۱۲). Singapore schools and professional learning communities: Teacher professional development and school leadership in an Asian hierarchical system. *Educational Review*, ۶۴(۴), ۴۰۵-۴۲۴.
- Li, L., Hallinger, P., & Walker, A. (۲۰۱۶). Exploring the mediating effects of trust on principal leadership and teacher professional learning in Hong Kong primary schools. *Educational Management Administration & Leadership*, ۴۴(۱), ۲۰-۴۲.
- Lipman, M. (۲۰۰۳). *Thinking in Education*. New York: Cambridge University Press.
- Triani, N., Suherman, U., & Nurihsan, J. (۲۰۲۰). COMPETENCY OF CLASS TEACHERS IN THE IMPLEMENTATION OF GUIDELINES DEMANDS IN EXTRAORDINARY ELEMENTARY SCHOOLS. *PrimaryEdu-Journal of Primary Education*, ۴(۲), ۱۱۴-۱۲۳.
- Tripto, J., Assaraf, O. B. Z., & Amit, M. (۲۰۱۸). Recurring patterns in the development of high school biology students' system thinking over time. *Instructional Science*, ۴۶(۵), ۶۳۹-۶۸۰.
- Yin, H., & Zheng, X. (۲۰۱۸). Facilitating professional learning communities in China: Do leadership practices and faculty trust matter? *Teaching and Teacher Education*, ۷۶, ۱۴۰-۱۵۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی